

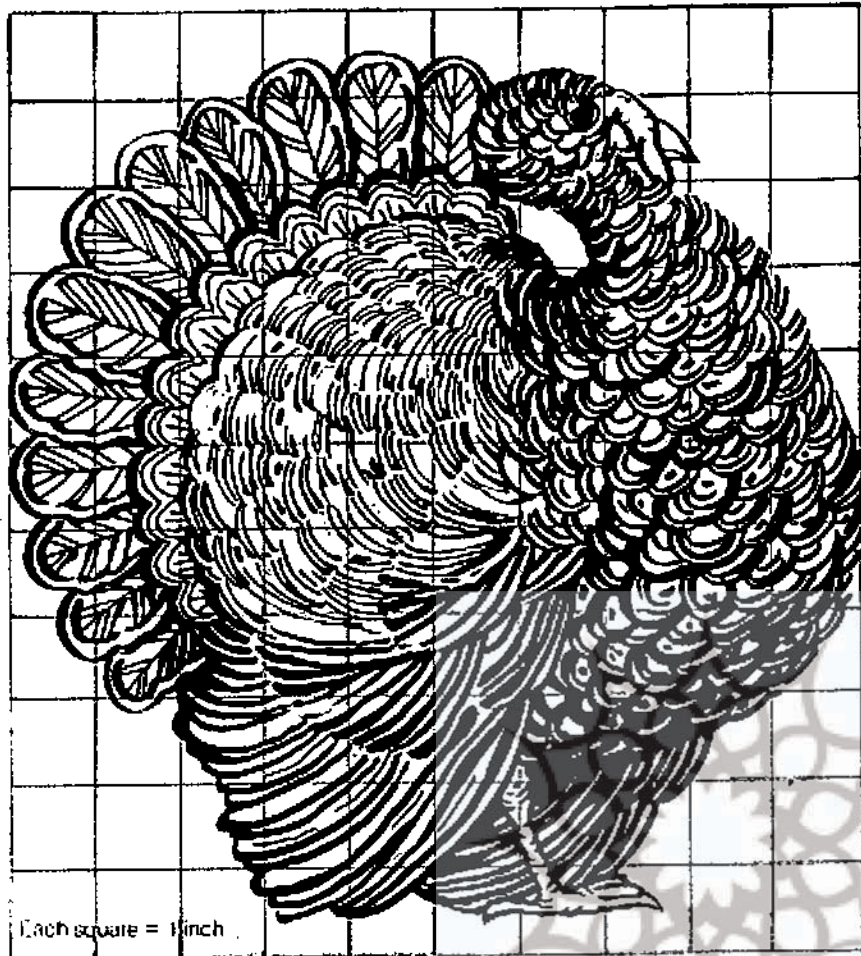
# نمادهای آیینی و زراعی در جشن شکرگزاری

■ علیرضا حسن زاده

عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی

جشن شکرگزاری یکی از جشن‌های زراعی در جهان است که در نزد مردم آمریکا نیز دیده می‌شود و در زبان آنان به جشن بوقلمون نیز نامبردار است. جشن شکرگزاری در آمریکا به هنگام آخر ماه نوامبر و در زمان برداشت محصول برپا می‌گردد. ریشه‌ی این جشن قابل بررسی و تحقیق است. مدت‌ها قبل در این روز نخستین مسافران (= زائران)، مهاجر به آمریکا یعنی «پیلگریم‌ها» (pilgrims)، سیاس و شکرگویی خود را به خاطر جان بدر بردن از زندگی سخت در سرزمین جدیدشان بیان داشتند، سرزمینی که بسیار دور از تمدن شناخته شده‌ی آنها بود. بوقلمون چوبی و تاج سرخپوستی (= کلاه‌پر دار) به عنوان نمادهای این آیین یادآور اولین جشن آنهاست. سرخپوستان به نخستین مهاجران آمریکایی آموختند که چگونه به یاری مهارت‌های بومی، در محیط جدید زنده بمانند. جشن بوقلمون آمریکاییان، همان جشن خرمن (= درو) و شکرگزاری است.

در روز درو همه‌ی مردم در مجلسی پرشکوه و شاد گرد می‌آمدند، درحالی که برخی سر خود را به تاج سرخپوستی می‌آراستند. آنان با قصدی روحانی برای سیاس‌گویی خداوند، در جشن شرکت می‌جستند. در این جشن خوراک اهمیتی فوق‌العاده داشت. بوقلمون در دیس و نوشیدنی داغ بر رومی‌های حصیری قرار می‌گرفت و از نمادهای فراوانی و برکت چون ذرت، گندم، غلات و بوقلمون بهره گرفته می‌شد. همه می‌خوردند و می‌آشامیدند در حالی که به پایکوبی و دست افشانی جمعی می‌پرداختند. بر روی میز میهمانی عام، نان ذرت که در فرهنگ آمریکاییان نماد فراوانی و برکت است، قرار داشت و این نان‌های ذرت پف کرده که به آن خامه نیز می‌مالیدند، دسر جشن شکرگزاری بود. در عین حال آرایش بومی مردم در این جشن هرساله، نخستین یادمان‌های قومی

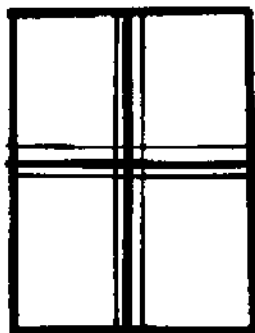


اما جشن شکرگزاری باز ریشه‌های کهن‌تری دارد و می‌توان آن را در تمدن‌های قدیمی‌ای چون یونان و روم باستان، عبرانیان و مصری‌ها سراغ یافت. کشاورزان مصر باستان، وقتی محصول خود را برداشت می‌کردند، می‌گریستند تا ارواح بر آنان خشمگین نگردند. در چین باستان نیز جشن شکرگزاری به عنوان تولد ماه جشن گرفته می‌شد. باید گفت که جشن‌های شکرگزاری از دورترین سال‌ها و از همه‌ی نواحی زمین می‌آیند، جشن‌هایی که برداشت محصول را سیاس گفته و تولد مجدد محصول را به عنوان یک معجزه می‌طلبند.

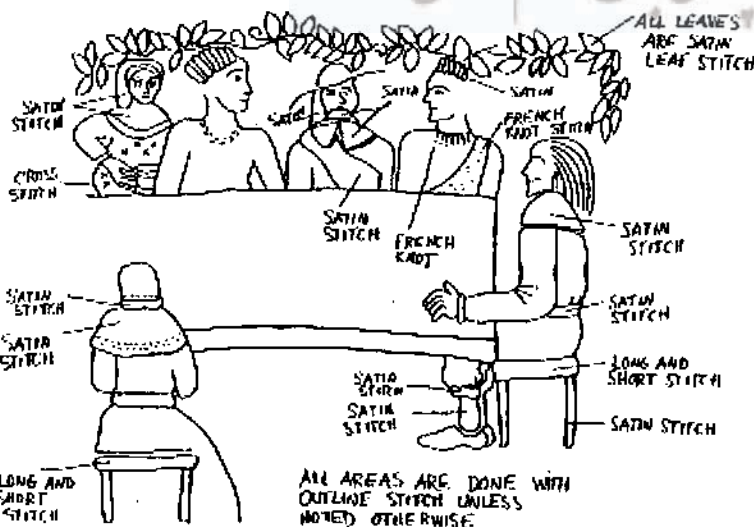
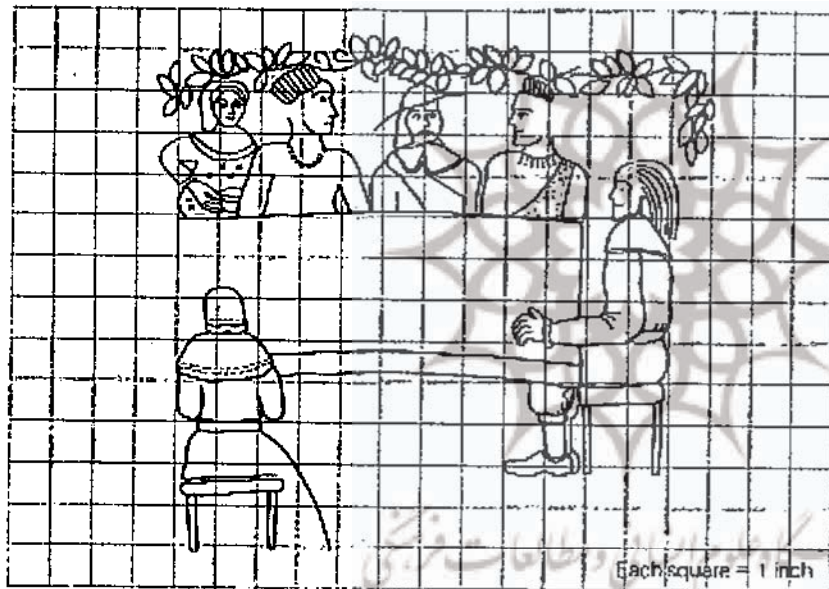
در همه جا جشن شکرگزاری علاوه بر جنبه‌ی مذهبی‌اش یک اتفاق مهم اجتماعی نیز بوده است. این جشن کشاورزان را به هم نزدیک می‌نمود و آنان با وجود ماه‌های بلند کار، تنهایی، خستگی و تلاش، در کنار هم گرد می‌آمدند، به شادمانی، بازی، آواز و رقص می‌پرداختند. بومی‌های هاوایی از جشن شکرگزاریشان به مدت چهار ماه

پیلگریم‌ها را در آشنایی با سرزمین جدید و همزیستی با سرخپوستان تازه می‌نمود. جشن شکرگزاری با تغییرات و تفاوت‌هایی هنوز در نزد عامه‌ی مردم آمریکا وجود دارد.

اما نخستین برپادارندگان جشن شکرگزاری چه کسانی بوده‌اند؟ گروهی می‌پندارند که پیلگریم‌ها این سنت را با خود از انگلستان به آمریکا برده‌اند و این سنت با سنت‌ها و آیین‌های سرخپوستان آمیزش یافته است، اما این تنها بخشی از واقعیت است و نه همه‌ی آن. در اولین جشن شکرگزاری پیلگریم‌ها در سال ۱۶۲۱، آنها برای زنده ماندن خداوند را سیاس گفتند. آنها به نود سرخپوستی پیوستند که در این جشن خود را به روغن (= چربی) خرس آغشته و گوشت گوزن را برای خوردن طبخ می‌کردند. در مبدأ حرکت پیلگریم‌ها یعنی انگلستان جشن شکرگزاری دارای دیرینگی و قدمت است. در گذشته‌های دور کشاورزان انگلیسی برای برداشت موفقیت‌آمیز محصول شکرگزاری می‌کردند. آنها باور داشتند که روح ذرت در تمام محصولات زندگی می‌کند و باعث رشد آنها می‌شود. آنها به هنگام دروی ذرت مراسم عبادی و جادویی‌ای داشتند که مانع از خشمگینی، عصبانیت و یا قهر روح ذرت می‌شد.



اگر تعریف «لوی استروس» درباره‌ی ساختار ذهن اسطوره‌گرا را به یادآوریم که اسطوره تباین میان عناصر و مفاهیم دوگانه و متضاد هستی - چون مرگ و زندگی، و... - را در نگاه انسان برطرف می‌ساخت و وی را به سوی یگانگی و حل تضادهای دوقطبی می‌برد، آنگاه می‌توان جستن شادمانی در اندوه و اندوه در شادی را تا حدی تحلیل نمود



کتاب ماه هنر / سرزاد و شهرپور ۱۳۸۰

لذت می‌بردند. در طول این مدت کشاورزان هاوایی هیچ کاری نمی‌کردند. از جمله عناصر و نمادهای جشن شکرگزاری همان‌طوری که پیشتر گفتیم، بوقلمون است. در نزد آمریکاییان امروز بوقلمون یک نماد و سمبل کشاورزی است. اما این نماد ریشه‌ای بسیار کهن دارد، مایاهای باستان برداشت محصول را با یک بوقلمون و کدوی عید جشن می‌گرفتند. بوقلمون ممتازترین گوشت برای جشن آنها به شمار می‌آمد و در صدر قرار داشت اما از وقتی به اندازه‌ی کافی بوقلمون نبود، آنها نوع دیگری از گوشت چون گوشت سگ به غذایشان اضافه می‌کردند. امروزه به جای بازی با تیر و کمان سرخوستی، بازی‌های چون بازی فوتبال آمریکایی در جشن شکرگزاری آمریکاییان دیده می‌شود.

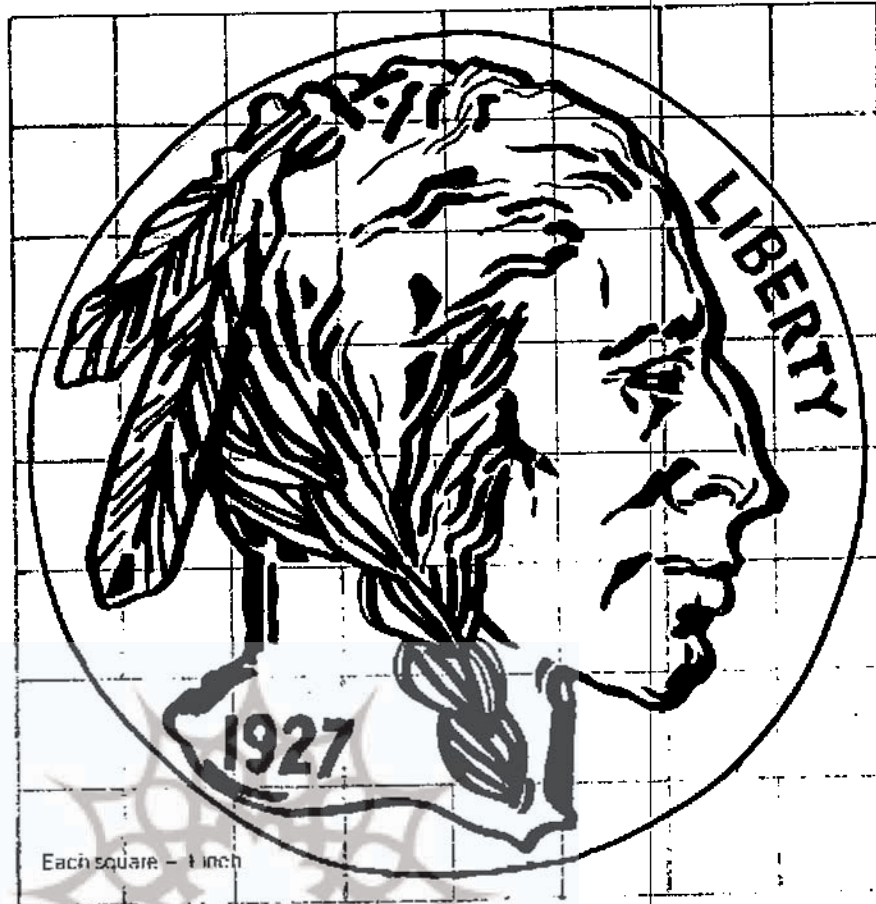
جشن شکرگزاری امروزه گونه‌ای به تماشا نهادن خود، باورها و احساسات نیز هست که آن را می‌توان اکنون از دسته‌های راهپیمایی مدارس تا جلوه‌های عظیم مردم در شهر نیویورک دید. هزاران نیویورکی از خواب برمی‌خیزند و قبل از غروب دعا می‌کنند. آنان در خیابان‌ها گرد می‌آیند و میلیون‌ها آمریکایی این جلوه‌ها را از تلویزیون تماشا می‌کنند. دسته‌های گوناگون و شادی وجود دارند، اراهه‌هایی که استادانه تزئین شده‌اند، بادکنک‌های عظیم‌الجثه و پر از هلیوم که به بلندی ساختمان‌های بزرگ است. جشن شکرگزاری، روح شاد و سرورانگیزی دارد. این تنها مختص جشن شکرگزاری آمریکاییان در روزگار ما نیست. کشاورزان در مصر باستان، روم باستان، انگلستان، خانه‌های خود را با گل‌های زیبا و رنگارنگ تزئین می‌نمودند و حتی محصولاتشان را به صورت تزئین شده از مزرعه تا روستا می‌بردند، کشاورزان شادان، رقصان و آوازخوانان به خانه می‌رسیدند. درباره‌ی ریشه جشن شکرگزاری باید گفت از آن زمانی که مردم محصول برداشت می‌کردند، برداشت



محصول را جشن هم می گرفتند، اما چرا؟ وقتی تولید جامعه‌ای تنها غذاست و حیاتشان نیز وابسته به آن می‌باشد، فراوانی یا قحطی محصول برای آن چنان زندگی و مرگ است. چرخه‌ی سالانه‌ی تولید محصول در نگاه انسان کهن یک برکت اعجاز‌انگیز بوده است. بررسی مجموعه‌ی جشن‌های شکرگزاری در نزد ملل تبادل باورها و عناصر آیینی و هنری را در میان آنها نشان می‌دهد. در باور آنان غلات از میان زمین متولد می‌شد و در هنگام برداشت محصول می‌مرد، تا سال بعد دوباره حیات یابد و... جشن شکرگزاری ما را به تمام بشریتی که قبل از ما بر روی زمین آمده‌اند، وصل می‌کند آنها که در زمان خود می‌کاشتند و شادمانی می‌کردند، جشن شکرگزاری نمایانگر آیینی بسیار کهن است که هنوز در نزد مردم حیات خود را ادامه داده است.

### جشن شکرگزاری در شمال ایران

در ایران نیز جشن خرم به صورت یک جشن آیینی برگزار می‌شود. در این زمینه برای نمونه به آیین «علم‌واچینی» (alamvacini = علم برچیدن) در شمال ایران یعنی شرق گیلان اشاره می‌کنیم. زمان جشن درو در شرق گیلان پس از دروی گندم و جو در مناطق کوهستانی و پس از دروی برنج در مناطق جلگه‌ای است. این رسم در یکی از روزهای جمعه‌ی پس از درو که از سوی شیخ بقعه مشخص و به اهالی اعلام می‌شود، برگزار می‌گردد. در این جشن مردان و زنان گرد کانونی مذهبی - آیینی جمع می‌آیند. آنان «تکیه شریک» نامیده شده و کوه‌نشینان و ساکنان اطراف هر زیارتگاه را در بر دارند. آنها موظفند که در روز علم‌واچینی غذای بسیار زیادی تهیه کنند تا شرکت‌کنندگان آبادی‌های بسیار دور که امکان آوردن یا تهیه‌ی غذا را ندارند، مهمان تکیه شریک‌ها باشند. خرج کشتی مراسم برعهده‌ی تکیه شریک‌هاست و این جشن در محیط بقعه و اطراف سبز و زیبایی آن برگزار می‌گردد. در این روز زنان و دختران بهترین لباس‌ها و زیباترین تزئینات خود را در بردارند و به شکلی گروهی همراه با خواندن ترانه‌های محلی رهسپار بقعه می‌شوند و در گرد آن جمع می‌آیند. آنان به بقعه قربانی نثار می‌کنند و یکدیگر را برای تهنات به سفره‌ی هم می‌خوانند. در این روز گله‌داران نیز از فراز کوه پایین آمده و گرد بقعه با گوسفندان خویش طواف می‌جویند. آنان شیر و پنیر خود را به طور رایگان در اختیار عموم حاضران قرار می‌دهند. در این روز لباس (= پارچه‌های سیاه اندوه) را از دور «علم»‌ها باز می‌کنند. علم‌ها، چوب‌هایی از جنس درختان مقدس و سبزی چون شمشاد بوده و نشانه‌ی سوگ یک خانواده و فامیل در غم از دست دادن جوانان (و گاه عزیزان) خوداند. غیرازاین صحنه‌ی غم‌آلود و حزن‌انگیز که توضیح بیشتری درباره‌ی آن خواهیم داد، باقی مراسم با شادی و شادمانگی همراه است. مراسم کشتی گیله مردی و سوارکاری از آن شمار است. در این روز با برنج تیم بچار (= خزانه برنج) که آن را پربرکت و خوش یمن می‌انگارند، پلو می‌پزند و در نزد حاضران پخش



ماست.

از سوی دیگر با بررسی نقش «علم» در رسم «علم واچینی» به عنوان نشانه‌ی عزای بی به شباهت آن با دیگر نمادهای عزای در خرده فرهنگ‌های ایرانی می‌بریم. علم از این جهت شبیه «نخل» در مراسم نخل‌گردانی در مراسم تاسوعا و عاشوراست و از سوی دیگر سوگ‌خوانی بر جوانان و عزیزان از دست رفته یادآور آیین‌هایی چون «جمد» است. به نظر می‌رسد که بتوان به نشانه‌هایی از ساختار مشترک در آیین‌های مزبور با آیین «علم واچینی» در گیلان دست یافت، زیرا در آیین «علم چینی» سوگ‌خوانی بر جوانانی که از دست شده‌اند با فصل درو که آغاز خواب زمستانی و به خواب رفتن گیاهان است، مقارن می‌باشد. در عین حال در جشن شکرگزاری همگامی شادی و غم عنصری شگفت‌آور و در عین حال قابل تأمل است. در این آیین لباس اندوه از دور علم‌ها گشاده می‌شود و این پارچه‌ها که به دور علم بسته شده است، به عنوان پارچه‌هایی مقدس و برکت‌آور به خانه برده می‌شود. این امر از آن روست که در عین حال شادمانی و شادمانگی یکی از عناصر مهم جشن شکرگزاری است. اگر تعریف «لوی استروس» درباره‌ی ساختار ذهن اسطوره‌گرا را به یادآوریم که اسطوره تباین میان عناصر و مفاهیم دوگانه و متضاد هستی - چون مرگ و زندگی، و... را در نگاه انسان برطرف می‌ساخت و وی را به سوی یگانگی و حل تضادهای دوقطبی می‌برد،

آنگاه می‌توان جستن شادمانی در اندوه و اندوه در شادی را تا حدی تحلیل نمود. در این زمینه می‌توان به نمونه‌ای دیگر اشاره داشت و به رسم خاکسپاری جوانان و به ویژه دختران ناکام و از دست شده در گیلان اشاره کرد. در این رسم دختر (و یا پسر) را آن گونه دفن می‌نمایند که گویی آنان را به حجله‌ی عروسی می‌برند. حمل خوانچه‌های عروسی که اشیای آیینی رسم ازدواج چون لاله، شمعدانی، آینه، شانه، شاخه‌ی شمشاد و... را در خود دارد، جستن زندگی در مرگ (و البته بازسازی واقعیت به صورت افسانه) است. بعدها مضمون همگون مراسم

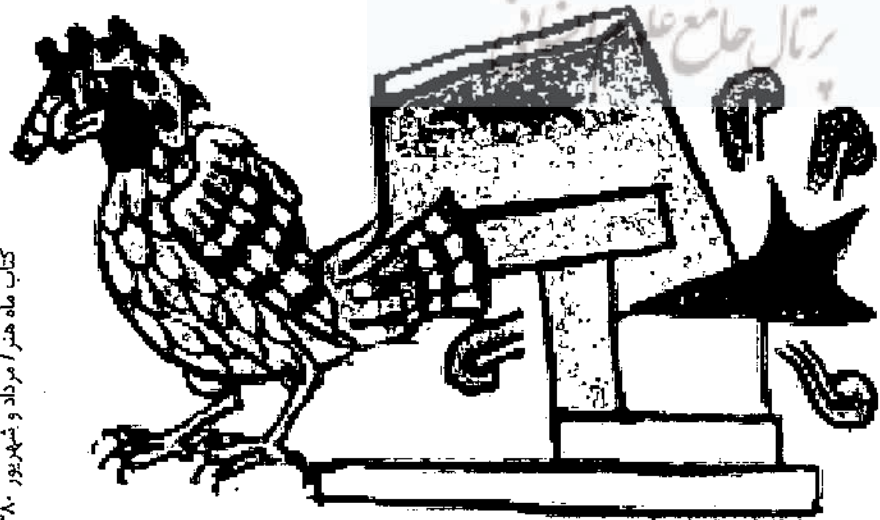


و فدیبه، نشانه‌های آیینی دیگری است که می‌توان نقش آن را به عنوان رسمی که خوراک و سپاس از خداوند در مرکز آن قرار دارد، در یک نگاه نو بازجست.

گوشت قربانی و طعام طبخ شده از آن، به عنوان سپاس خداوند برای دروی محصول، بین حاضران از بیگانه و آشنا تقسیم می‌شود. رسم علم واچینی در عرض ساختار آیینی خود، ساختاری اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌بخشد، حضور مردان و زنان دوره‌گرد و فروشنده و ازدواج‌ها، پیوندها و آشتی‌ها حکایتگر این شکل از ساختار آیینی جشن مورد بحث

می‌کنند و این امر را با یمن می‌دانند. یکی دیگر از نشانه‌های برکت و برکت‌جویی در این جشن آیینی، مالیدن گیاهان سبز به علم و دادن آن به گاو و گوسفند است تا دام‌ها دچار بیماری و مرگ نشوند. آیین علم واچینی در روستاهایی چون سیدسرا، میکال، کویس (= کومس)، سیاکو، کاکرود، تارش taras، بجار پس، متلاکو matalaku دیده می‌شود.

با کمی دقت در یک بررسی بینا آیینی پی به شباهت‌های جشن شکرگزاری در دو حوزه‌ی مورد بررسی این مقاله (شمال ایران و آمریکا) می‌بریم. از یک سو با اهمیت آیین جشن درو به عنوان ابزاری برای افزایش همنوایی روبه‌رو می‌گردیم و از سوی دیگر نشانه‌های برکت و یمن را در آن باز می‌یابیم. در این مراسم شکرگزاری از خداوند به خاطر محصول فراوان، یکی از بنیان‌های آیین است. «خوراک» در مرکز آیین یاد شده قرار دارد، گستردن سفره و خواندن یکدیگر به طعام از نشانه‌های آن است. تقدس محصول که در آیین‌های یمن جویی از برنج «خزانه» و گیاهان سبز تجلی می‌یابد، به نیکی بر اهمیت عناصر کشاورزی و گیاهی در نگاه مردم (کشاورزان و دامداران) دلالت می‌کند. شاید نمونه‌ای در غرب گیلان این امر را بیشتر بر ما آشکار سازد. در این خطه آخرین مشت شالی بریده شده، (واوین موسته Vavinmusta) دارای نیروی شفابخشی است، کشاورز آن را آراسته و به نشانه یمن و برکت بر دیوار خانه‌ی خود می‌آویزد و همچنین آن را برای قوت گرفتن ورزا در کار شخم به او می‌دهد. در جشن «علم واچینی» رسم قربانی

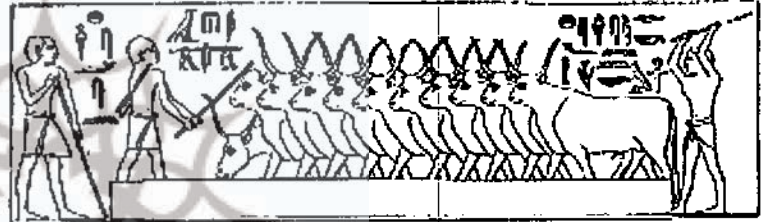






سوگواری تاسوعا و عاشورا با این بخش رسم علم و آچینی موجب شد که مراسم علم و آچینی از نظر زمانی بجای زمان درو به محرم انتقال یابد و بخشی از آیین های عزاداری دهه ی محرم گردد. با مقایسه جشن بوقلمون و علم و آچینی نیز از اهمیت ساخت مذهبی و اقتصادی (معیشتی) در این آیین می توان به کارکردهای مشترکی چون افزایش همنوایی اجتماعی، برکت جویی، یمن خواهی و نقش نمادها و عناصر خوراکی اشاره داشت.

جشن شکرگزاری در جامعه چندقومی آمریکا (جامعه ی مهاجران و بومیان) سازگاری فرهنگی را در پناه یک آیین دینی - زراعی موجب می شد. این همنوایی در شکل بومی این آیین در ایران به صورت بالابردن همنوایی محلی و قومی دیده می شود. از سوی دیگر جالب آن است که در هر دو صورت آیین شکرگزاری (صورت ایرانی و آمریکایی آن) نقش نهاد مذهب چشم گیر است. در واقع در ساختار این



آیین تمایلات دینی نقش بارز برعهده دارد. و این خود از زرف ساخت های کهن آیینهای زراعی حکایت می دارد.

**منابع:**

۱. پاینده لنگرودی، محمود - آیین ها و باورداشت های گیل و دیلم - انتشارات بنیاد فرهنگ ایران - چ اول.
  ۲. محمودی اطاقوری، حسین - «جشن خرمن یا علم و آچینی - ماهنامه گیدوا - سال سوم - شماره ۲۲ و ۲۳».
  ۳. بانوف، میشل و پرن، میشل - فرهنگ مردم شناسی - ترجمه: اصغر عسکری خانقاه - نشر ویس - چ اول.
  - ۴ - حصوری، علی - سیاوشان، نشر چشمه، چ اول
- S. penner, L.R.  
"The Thanks giving Book".  
Hastings House publis hers.  
New York. 1986.

